



## عوامل و زمینه های رشد اخلاق کاراز دیدگاه امام علی (علیه السلام)

محمد علی مشایخی پور\*

عبدالهادی فقهی زاده\*\*

### چکیده

اهتمام و توجه قرآن به اخلاق و تأکید پیامبران عظام و ائمه اطهار (علیهم السلام) بر متخلق شدن به آن، حکایت از نقش بی بدیل آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. براین اساس توجه و بکارگیری آن در تمامی حوزه های زندگی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. کار نیز بواسطه ارتباط تنگاتنگ با اخلاق به نتایج مطلوب و شایسته منتهی نخواهد مگر اینکه رویکردی اخلاق مدارانه در آن مد نظر قرار گیرد. دراین میان عوامل و زمینه هایی نیز در تقویت و توجه به چنین رویکردی موثرند. این مقاله با استناد به آیات و روایات و به ویژه با تکیه بر کلمات گهربار امام علی (علیه السلام) این عوامل را شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. از جمله این موارد می توان به تقویت خداباوری، توجه به شأن و جایگاه حقیقی انسان، امانت انگاری کار، شناخت صحیح دنیا و آخرت، تأمین مالی، توجه شدن به کارآمدی و کارایی، در نظر گرفتن علایق افراد، وجود کنترل و نظارت، تشویق و تنبیه عادلانه و به موقع، توجه به عواطف و احساسات و... اشاره کرد. **کلمات کلیدی:** عوامل و زمینه ها، اخلاق کار، امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث (m.mashayekh68@yahoo.com).  
\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.



## بیان مسئله

اخلاق که مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها و جزو فطریات و بدیهیات عقلی بشر است، یکی از مهمترین هدف‌های پیامبران از نظر قرآن است (بقره: ۱۲۹؛ نحل: ۳۶)؛ زیرا اعتلاء و سعادت انسان در گرو پایبندی و آراستگی به اخلاق الهی است؛ تا آنجا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هدف از بعثت خود را تکمیل مکرمات‌های اخلاقی بیان کرده‌اند. (الهندی، ج ۳، ۱۳۹۷: ۱۶)

«کار» به آن دسته از فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که، با هدف کسب درآمد و رفع نیازهای فردی و اجتماعی انجام می‌شود. یکی از حوزه‌های اخلاق، اخلاق کاربردی است که رسالت تحلیل و بررسی ریشه‌ای مسائل اخلاقی را برعهده دارد و راه تشخیص تکالیف اخلاقی و شیوه تحقق آنها را در حوزه‌های خاص زندگی بررسی قرار می‌کند.

اخلاق کار، نیز یکی از زیرشاخه‌های اخلاق کاربردی است از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا آدمی در هر کاری نیازمند رعایت دسته‌ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی است که بدون رعایت آنها به نتیجه مطلوب دست نخواهد یافت.

امام علی (علیه السلام) با علم به قرآن و سنت نبوی، آموزه‌های ارزشمندی را در زمینه اخلاق کار با درایتی واقع‌بینانه عرضه کرده‌اند. استخراج و دسته‌بندی کاربردی این رهنمودها از سخنان آن امام همام (علیه السلام) با هدف شناساندن مبانی امام علی (علیه السلام) در اخلاق کار، بسیار مفید خواهد بود.

بنابراین در ادامه به تشریح عوامل و زمینه‌های رشد اخلاق کار در سخنان امام علی (علیه السلام) پرداخته ایم تا از این رهگذر بستر مناسبی برای بروز و ظهور عملی آنها فراهم گردد.

## مفهوم اخلاق و کار

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» است که به معنای «سجیه، سرشت، طبیعت، عادت، خوی و...» به کار می‌رود. (ابن منظور، ج ۱۰، ۱۴۱۴: ۸۶؛ الفیومی، ۱۳۷۵: ۸۸؛ فراهیدی، ج ۴، ۱۴۱۰: ۱۵۱). راغب در المفردات می‌گوید: «دو کلمه خُلُق و خُلُق در اصل، یکی است؛ اما خُلُق به هیئت‌ها و شکل‌ها و صورت‌های ظاهری اختصاص دارد که با چشم دیده می‌شود. ولی کلمه خُلُق به نیروها و سجایای باطنی اطلاق می‌شود که با چشم دل مشاهده می‌شود.» (راغب اصفهانی، ج ۱، ۱۴۱۲: ۲۹۶).

دانشمندان اخلاق این واژه را در معانی متعددی به کار برده‌اند. یکی از رایج‌ترین این معانی عبارت است از: صفات یا ملکات نفسانی که در نفس انسان رسوخ کرده و پایدار شده باشد و باعث می‌شود کارهای متناسب با آن صفات به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود. (ابن مسکویه، ۱۳۷۱: ۳۶؛ نراقی، ج ۱، بی تا: ۵۵)؛ به عبارت دیگر همان طور که صاحبان صنعت‌ها و حرفه‌ها به آسانی کار خود را انجام می‌دهند، صاحبان ملکات فاضله و رذیله هم به سهولت کار خوب یا بد را انجام می‌دهند. (جوادی آملی، ج ۱۰، ۱۳۸۷: ۷۳).



«کار» در لغت به معنای «عمل، فعل و کردار انسان آمده است (دهخدا، ج ۴۰، ۱۳۳۶:۱۰۷) و در اصطلاح عبارت است از آنچه از شخص صادر گردد و شخص خود را به آن مشغول سازد و الفاظ دیگرش عمل و فعل و شغل است. (دهخدا، ج ۴۰، ۱۳۳۶:۱۰۷).

در تعریفی دیگر آمده است کار؛ مجموعه عملیاتی است که انسان با استفاده از مغز، دست‌ها، ابزار و ماشین‌ها برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می‌دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهد. (توسلی، ۱۳۸۱: ۱۰).

بنابراین کار، سه ویژگی دارد: نخست، کار مبتنی بر فعالیت فکری و بدنی است. دوم: از طریق کار، کالایی تولید، یا خدمتی عرضه می‌شود. سوم: در برابر کار، دستمزدی پرداخت می‌گردد. از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در جامعه انسانی یکی از حقوق اولیه مردم این است که همه حق دارند، شاغل باشند. کار کوچکی و بزرگی ندارد مگر با توجه به کاری که انجام می‌دهند و هرکس اعم از مرد و زن پاداش کار خود را خواهد دید. (محمدی، ۱۳۷۹: ۱۰۰)

## اخلاق کار

اخلاق کار یکی از موضوعات اخلاق کاربردی است که در دهه‌های اخیر بیشتر از سوی متفکران غربی مطرح شده و یکی از زمینه‌های دانش مدیریت به شمار می‌رود. اخلاق کار به معنای «خلق و خوی، علم معاشرت، قواعد و دستور رفتار انسانی» آورده شده است (دهخدا، ج ۴۰، ۱۳۳۶:۱۰۷)؛ چنان که در تعریفی دیگر از اخلاق کار چنین آمده است: «اخلاق کار، متعهد شدن توان ذهنی، روانی و جسمانی فرد یا گروه به اندیشه جمعی در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه به هر نحو است. اخلاق کار مهمترین عامل فرهنگی در توسعه اقتصادی محسوب می‌شود» (تودارو، ۱۳۶۴: ۵۶). اخلاق کار به حوزه‌ای از فرهنگ اطلاق می‌شود که عقاید و ارزشهای مربوط به کار را در بر می‌گیرد و قابل شناسایی است (معیدفر، ۱۳۸۰: ۲۵) و طبعاً از قواعد کلی حاکم بر فرهنگ و جامعه پیروی می‌کند. وجه مشترک همه این تعاریف به میدان عمل آوردن اخلاقیاتی است که از فطرت پاک انسانی برخاسته است. اینکه در کار به قوانین و مقررات وضعی توجه و به نحو مطلوب انجام شود، همان رعایت کردن اخلاق در حیطه کار و عمل است.

## ارتباط اخلاق با کار

نهادینه کردن اخلاق و تکامل خوی‌های نیک و ارزشهای انسانی از هدفهای اصلی و اساسی نبوت و رسالت پیامبران راستین بوده است؛ چنان که تکمیل مکارم اخلاق مهمترین هدف بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) معرفی شده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (الهندی، ج ۳، ۱۳۹۷: ۱۶): «من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام».

اهتمام و توجه قرآن به اخلاق و تأکید پیامبران عظام و ائمه اطهار (علیهم السلام) بر متخلق شدن به آن، حکایت از نقش بی‌بدیل آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعْصِبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَ



مَحَاسِنِ الْأُمُورِ» (نهج البلاغه، بی تا: ۲۹۵): «اگر بنا به تعصب باشد، تعصب شما باید برای صفات پسندیده و کردارهای شایسته و امور نیک باشد».

هم چنین در بیانی دیگر می فرمایند: «لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَاراً وَلَا ثَوَاباً وَلَا عِقَاباً لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاهِ» (محدث نوری، ج ۱۱، ۱۴۰۸: ۱۹۳)؛

اگر ما امیدی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نمی داشتیم، [شایسته] بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم؛ زیرا آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند. این احادیث به خوبی نشان می دهد که فضائل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی یابد! تجربه تاریخی نیز بشر گویای آن است هر جامعه ای که از ارزشهای اخلاقی فاصله بگیرد و به پاسداشت نظری و عملی آن نپردازد، متحمل خسارتهای جبران ناپذیر می شود و شاهد فاجعه اسفبار انسانی خواهد بود و راه انحطاط خواهد پیمود. اخلاق به حوزه خاصی محدود نیست بلکه در تمامی حوزه ها و زمینه ها باید به اصول اخلاقی توجه شود؛ فقط در این صورت است که نتیجه بخش خواهد بود و موجبات تعالی و سعادت انسان فراهم می شود.

امام علی (علیه السلام) در ادامه، این نکته را به زیبایی مد نظر قرار داده اند: «الَّتِي تَفَاضَلَتْ فِيهَا الْمُجْدَاءِ وَالنَّجْدَاءِ مِنْ بِيُوتَاتِ الْعَرَبِ وَ يَعَاسِيِبِ الْقَبَائِلِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲: ۲۹۵). اینها مواردی است که در آن بزرگواران، دلاوران از خاندان برجسته عرب، مهتران قبایل و شخصیتهای برجسته سعی می کنند خود را به آن متصف سازند؛ یعنی اگر قرار باشد با هم مسابقه ای دهیم در اخلاق است. جامعه ای سالم است که با ارزشترین مسابقه اش در اخلاق باشد؛ زیرا اخلاق سرمایه اصلی اقوام و ملتها و خمیر مایه تمدن و ستون فقرات زندگی اجتماعی سالم است. اخلاق بهترین وسیله انسان در سیر الهی است (مکارم شیرازی، ج ۱، ۱۳۷۷: ۷).

کار نیز به دلیل تأکید فراوان آیات و روایات و اهمیت و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی از این امر مستثنا نیست و در آن باید به اخلاقیات توجه شود؛ به عبارت دیگر به دلیل ارتباط تنگاتنگ بین کار و اخلاق، کار بدون اخلاق به نتیجه مطلوب دست نمی یابد و انسان را به سعادت نمی رساند.

از دیدگاه امام علی (علیه السلام) ارزش هر کار به اخلاقی بودن آن است نه به زیادی یا کمی آن: «لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى» (نهج البلاغه، حکمت ۹۵: ۴۸۴): هیچ عملی با پرواداری کم نیست؛ «و كَيْفَ يَقِلُّ مَا يَتَقَبَّلُ» (نهج البلاغه، ۹۵: ۴۸۴): و چگونه کم به حساب آید چیزی که نزد خدا پذیرفته می شود؟»

عمل اخلاقی در عالم خواهد ماند؛ چراکه طبق قوانین عالم است. اما عمل غیر اخلاقی مخالف قوانین عالم است؛ رشد نمی کند و بالنده نیست (مکارم شیرازی، ج ۱، ۱۳۷۷: ۷). قرآن می گوید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (اعراف/۵۸): «سرزمین پاکیزه و شیرین، گیاهش به فرمان پروردگار می روید».



از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، کار اگر مرزها و حدود ارزش های انسانی و الهی را محترم بشمارد، نه تنها مباح، بلکه لازم و نوعی عبادت است. در این حالت کارگر، محبوب خدا خواهد بود: «  
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينَ (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵:۱۱۳): « خداوند، اهل حرفه و پیشه امانتدار را دوست دارد.

تأکید بر اتقان و استحکام درکار، تعهد پذیری، محکم کاری و امانتداری بیانگر نقش مهم و اساسی اخلاق در به ثمر رسیدن کار و تلاش است؛ زیرا به دلیل رعایت اینها است که کار نتیجه بخش خواهد بود و سعادت دنیا و آخرت انسان را فراهم می سازد. شهید مطهری (رحمه الله علیه) در این باره می گوید:

«تفاوت کار اخلاقی با کار طبیعی در این است که کار اخلاقی در وجدان هر بشری دارای ارزش است؛ یعنی یک کار ارزشمند و گرانبها است و بشر برای خود این کار، قیمت قائل است؛ آن قیمتی هم که برایش قائل است نه از نوع قیمت و ارزشی است که برای کار یک کارگر قائل است که ارزش مادی به اصطلاح ایجاد می کند بلکه یک نوع ارزش ما فوق این ارزش هاست که با پول و کالای مادی قابل تقویم نیست.» (مطهری، ۱۳۷۲:۱۳).

## عوامل و زمینه های رشد اخلاق کار

### ۱-۱. تقویت خداباوری

خدا باوری و خدامحوری، نقشی مهم در گرایش انسان به کار اخلاقی ایفا می کند. اگر محور همه امور خدا دانسته شود و هدف انسان و جهان سیر به سوی او قلمداد گردد، یعنی آدمی معتقد باشد که هستی هم از خداست، هم به سوی اوست و هدف غایی او رسیدن به مقام قرب الهی است؛ در این صورت کوشش خواهد کرد اعمال و رفتارهای خود را در مسیر رسیدن به این هدف تنظیم کند. امام علی (علیه السلام) در نامه به امام حسن (علیه السلام) به او سفارش می کنند، خدامحوری را سرلوحه کارهای خود قرار دهند :

فَتَفَهَّمْ يَا بَنِيَّ وَصِيَّتِي وَاعْلَمْ أَنَّ مَالِكَ الْمَوْتِ هُوَ مَالِكُ الْحَيَاةِ وَأَنَّ الْخَالِقَ هُوَ الْمُمِيتُ وَأَنَّ الْمُفْنِي هُوَ الْمُعِيدُ وَأَنَّ الْمُبْتَلِيَ هُوَ الْمُعَافِي وَأَنَّ الدُّيَا لَمْ تَكُنْ لِتَسْتَقِرَّ إِلَّا عَلَى مَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ النِّعَمِ وَالْإِبْتِلَاءِ وَالْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ أَوْ مَا شَاءَ مِمَّا لَا تَعْلَمُ؛ (نهج البلاغه ، نامه ۳۱: ۳۹۵)

ای فرزندان، وصیت مرا نیکو دریاب و بدان که مرگ در دست همان کسی است که زندگی در دست اوست و آن که می آفریند، همان است که می میراند و آن که فنا کننده است، همان است که باز می گرداند و آن که مبتلا کننده است، همان است که شفا می بخشد



و دنیا استقرار نیافته مگر بر آن حال که خداوند برای آن مقرر داشته، از نعمت ها و آزمایش ها و پاداش روز جزا یا امور دیگری که خواسته و ما را از آن آگاهی نیست.. هرگاه آدمی اعتقاد داشته باشد که خدای دانای اسرار است به آنچه در ذهن دارد آگاه است، به هر پدیده ای احاطه دارد و بر هر چیز توانا است (نهج البلاغه ، خطبه ۸۶: ۱۱۶)؛ حق خدا را کوچک نمی شمارد، ( نهج البلاغه، نامه ۴۳: ۴۱۵) خدا در فکر او بزرگ و غیر خدا در نظر او کوچک است. (نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۳: ۳۰۳) چنین فردی نمی تواند با فساد و تباهی همراه و همدل باشند: **ظَهَرَ الْفَسَادُ فَلَا مُنْكَرَ مُعَيَّرٍ وَلَا زَاجِرٌ مُزْدَجِرٌ أَ قَبِيْهًا تَرِيْدُوْنَ اَنْ تَجَاوِرُوْا اللّٰهَ فِيْ دَارِ قُدْسِهٖ وَ تَكُوْنُوْا اَعَزَّ اَوْلِيَأهٖ عِنْدَهٗ هِيَ هَات لَا يُخْدَعُ اللّٰهُ عَنْ جَنَّتِهٖ...** (همان، خطبه ۱۲۹: ۱۸۷) فسادآشکار شده، کسی نیست که زشتکاری ها را دگرگون سازد و کسی نیست که بزه کاران را مهار کند. با چنین اعمالی می خواهید در جوار خداوند در سرای قدس او به سر برید یا از دوستان او به شمار آید؟! آرزویی محال است، خداوند را برای رفتن به بهشت نمی توان فریفت...

آدمی وقتی با چنین نگرشی قدم در عرصه کار و تلاش بگذارد، یکسر می کوشد، تمام تلاش خود را می گذارد تا کار و فعالیت های او در راه رسیدن به او شکل بگیرد، کردار خود را از شرک و ریا پاک گردانیده، خود را برای خدا خالص ساخته (نهج البلاغه، خطبه ۸۷: ۱۱۸) ، آنچه را او فرمان داده و به آن رضایت داده، انجام دهد.

چنین فردی کوشش می کند، با نگاه امانت انگارانه نسبت به کار، آن را به صورت تام و تمام و به دور از صرف هزینه های بیجا انجام دهد؛ حتی اگر صاحب کار بر او نظارتی نداشته باشد. زیرا معتقد است خدا در همه جا و همه حال حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار اوست و انجام عمل به صورت شایسته نزد او محبوب ترین است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵: ۱۸۲) از همین رو، امام علی (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر او را به یاری دین خدا چنین فرمان می دهند:

**اَنْ يَنْصُرَ اللّٰهَ سُبْحٰنَهُ بِقَلْبِهٖ وَ يَدِهٖ وَ لِسٰنِهٖ فَاِنَّهٗ جَلَّ اَسْمُهٗ قَدْ تَكْفَلَّ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهٗ**

**وَ اِعْزَازٍ مِّنْ اَعْرَهٗ،** (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۲۶) خدای سبحان را با قلب و دست و زبانت یاری کن؛ زیرا خدای بزرگ یاری کسی که دینش را یاری کند و عزیز داشتن کسی را که او را عزیز بدارد، تضمین کرده است.

در مقابل وقتی انسان ب اعتقاد دینی نداشته باشد خدا گرا و خدا محور نباشد، چه بسا حرکت در راه صحیح و باطل را یکی بداند و محق و مبطل در پیش او یکی باشد (نهج البلاغه، نامه ۱۷: ۳۷۴) بنابراین تقویت خدا باوری و محور قرار دادن و توجه به خداوند در کار و فعالیت می تواند فرد را به توجه به کار و رعایت اصول اخلاقی آن، بکشاند؛ چنان که هرچه این باور تقویت شود، فرد التزام بیشتری به کار خود خواهد داشت. و تلاش می کند آن را به گونه ای انجام دهد که رضایت خداوند را در پی داشته باشد



## ۱-۲. توجه به شأن و جایگاه حقیقی انسان

اینکه انسان خود را چگونه ببیند و چگونه بیابد و چه جایگاهی برای خود در عالم هستی قائل باشد، در اخلاق و کارکرد او تأثیر گذار است. اگر بداند او برترین مخلوق در زمین است (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۷۴) و برترین جایگاه را در عالم هستی دارد و خداوند کرامتی ذاتی به او ارزانی داشته است (اسراء/۷۰)، به امور حقیر تمایل نمی یابد. و خود را برتر از آن می داند که تن به نادرستی بسپارد. امام علی (علیه السلام) خطاب به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می فرمایند:

وَأَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَبِيَّةٍ وَإِنْ سَأَفْتَكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبَدَّلُ مِنْ

نَفْسِكَ عِوَضًا؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۴۰۱) نفس خود را از هر گونه پستی باز دار، هر چند تو را به اهداف برساند، زیرا نمی توانی به اندازه آبرویی که از دست می دهی بهایی به دست آوری.

انسان کریم قدر خود را می شناسد و می داند که تنها در سایه اطاعت و تبعیت از دستورات الهی می تواند ارزش و منزلت خود را نگه دارد و به سعادت دست یابد؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸: ۲۶۱) بنابراین حق خداوند را کوچک نمی شمارد (نهج البلاغه، نامه ۴۳: ۴۱۵)، بر نفس خویش مسلط است و نسبت به خویشتن از آنچه حرام است بخل می ورزد (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۱)، او هنگامی که عهدی می بندد، خود را ملزم به انجام آن می داند. (همان: ۲۵۲)

دنیا در نظر انسان کرامت باور، کوچک است (همان: ۲۳۱) و می کوشد چهره خود را از خواری آتش جهنم نگه دارد؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۹۱) زیرا می داند بهای وجودش جز بهشت نیست:

أَلَا حَرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶: ۵۵۶)؛ آیا آزاد مردی نیست که این لقمه جویده

حرام دنیا را به اهلش واگذارد همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس به کمتر از آن نفروشید.

اگر انسان به ارزش های خود آگاه نباشد، از جایگاه شایسته خود تنزل می کند و به دلیل این تنزل، به اموری تن می دهد که در شأن او نیست، به خلافکاری، دغلبازی و گنه کاری دست می آید.

بر این اساس اگر انسان خود را بشناسد و جایگاه، منزلت و ارزش وجودی خود را درک کند و بداند آنچه این مقام و منزلت را حفظ می کند، همان حرکت و عمل بر طبق قوانین و دستورات الهی است، رفتار و کردار خود را به گونه ای سامان خواهد بخشید که متناسب با حفظ جایگاه، شأن و منزلت وجودی او باشد.



## ۳-۱. امانت انگاری کار

نوع نگاه انسان به کار نقشی مهم در چگونگی انجام کار دارد؛ کسی که کار و مسئولیت را امانت ببیند و آن را وسیله عزتمندی و سرمایه شکوفایی خویش بداند، از کار کردن احساس رضایت و خشنودی می کند و همین باعث می شود کار و وظیفه خود را به درستی انجام دهد. در مقابل اگر کسی تلقی لقمه انگارانه ای نسبت به کار داشته باشد چه بسا رفتارهای اخلاقی در وی بخشکد و زمینه دغلبازی و خیانت ورزی در او فراهم آید.

امام علی (علیه السلام) با بیان این که کار و مسئولیت امانت است، به تصحیح بینش کارگزاران خود پرداخته، در نامه ای به «اشعث بن قیس»، استاندار آذربایجان این نکته را یادآور شده است: «إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ ... لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَّتِهِ وَ لَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَثِيقَةٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵: ۳۶۶) پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است... تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی، و بدون دستور به کار مهمتی اقدام کنی.

کسی که نگاهی امانت انگارانه به کار و مسئولیت داشته باشد، تمام تلاش خود را می نماید تا امانت داری کرده دست تعدی و خیانت به آن نگشاید. تقویت چنین نگرشی نقشی مهم در گرایش انسان به برخورد اخلاق گریانه با آن دارد.

برعکس کسی که از امانت انگاری بی بهره است، دغدغه حفظ اموال عمومی را ندارد و دل مشغول استفاده بهینه از امکانات و اختیاراتش نیست. فقدان جهان بینی امانت انگاری، رفتار را نه تنها در پیوند با دیگران، بلکه رفتار فرد را در ارتباط با خود نیز مخدوش می سازد. (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۶: ۳۲)

## ۴-۱. شناخت صحیح دنیا و آخرت

نوع بهره مندی از دنیا به نوع نگرش و دیدگاه انسان بستگی دارد. (اخوی، ۱۳۷۹: ۱۳۰) مکتب تربیتی علوی در صدد است فراگیران را آخرت گرا و آخرت نگر بار بیاورد؛ گفته ها و کنش های تربیتی امام علی (علیه السلام) همواره بر این متمرکز بود که فرزندان، دوستان، یاران و اطرافیان خود را به آخرت گرایی و گذار فکری و عملی از زندگی دنیا دعوت کنند؛ چنان که خطاب به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرمایند:

«وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ وَ أَنَّكَ فِي قُلْعَةٍ وَ دَارِ بُلْعَةٍ وَ طَرِيقٌ إِلَى الْآخِرَةِ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱:

۳۹۸)؛ و بدان، که تو را برای آخرت آفریده اند، نه برای دنیا. برای فنا آفریده اند، نه برای بقا و برای مرگ آفریده اند، نه برای زندگی. در سرایی هستی ناپایدار که باید از آن رخت بربندی. تنها روزی چند در آن خواهی زیست. راه تو راه آخرت است.»

دنیا سرای گذر است نه سرای استقرار (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳: ۴۹۳)، منزلگاهی ناپایدار و جای کدورت و ناخوشی است. (همان، خطبه ۱۹۶: ۳۱۰) خانه ای است که خوشی های آن دست به دست می شوند (همان، حکمت ۱۳۱: ۴۹۲)، مکار و فریب کار است (همان، خطبه ۲۳۰: ۳۵۲)، باطنش فنا و نیستی است (همان، حکمت ۴۳۲: ۵۵۲) و داستانش، داستان ماری است که بدن آن نرم و زهرش کشنده است.





همان، نامه ۶۸: ۴۵۸؛ دنیا آفریده خدا و محکوم به فنا، پیچیده به رنج ها و گرفتاری ها و معروف به مکر است (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶: ۳۴۸)، و هیچ کس در آن به سلامت نمی ماند مگر در سایه تقوا. (همان، خطبه ۶۳: ۹۴) زیرا که سرمایه آب آن گل آلود است (همان، خطبه ۸۳: ۱۰۸)، فریبنده ای فانی شدنی، روشنایی پنهان گشتنی، سایه ای زایل شدنی و تکیه گاهی رو به ویرانی. (همان.)

مؤمن، دنیا را با این اوصاف دنیا را برای خود جایگاه اقامت دائم نمی پندارد (همان، خطبه ۱۳۲: ۱۹۰) و به او به عنوان وسیله و ابزاری جهت رشد و هدایت خود می نگرد. می داند دنیا صحنه کار و تلاش است و آخرت نتیجه اعمال (احسائی، ج ۱، ۱۴۰۵: ۲۶۷)؛ پس باید آنچه را از توشه حیات ابدی و آبادانی آخرت سبب می شود، در دنیا مهیا کند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶: ۲۱۹) وقتی بداند بهترین توشه برای آبادانی آخرت تقوا است (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۰: ۴۹۲) و هیچ ارجمندی جز آن نیست (همان، حکمت ۳۷۱: ۵۴۰)؛ سعی می کند برای آخرت کار کند؛ زیرا سعادت او در آخرت بدون آن تأمین نمی شود. (همان، ۱۵۰: ۴۹۷)

او با این نگرش کار می کند؛ ولی نه آن گونه که کار دنیا او را از آخرت باز دارد، (همان، حکمت ۲۶۹: ۵۲۲) عمل او در دنیا پاک و پیراسته (همان، خطبه ۱۹۰: ۲۸۱) و طلب او حلال است (همان، خطبه ۱۹۳: ۳۰۳) و تنها به کار شرافتمندانه می پردازد. (همان، نامه ۳۱: ۴۰۲)

این عقیده که انسان پس از زندگی دنیایی به خدای خویش می پیوندد و باید در قبال اعمال و رفتارش پاسخگو باشد؛ او را به انسانی بدل می کند که حاضر نمی شود دنیای خود را به بهای نابودی آخرت آباد کند (همان، نامه ۴۳: ۴۱۵) و همواره مراقب رفتار و اعمال خویش است.

### ۵-۱. تأمین مالی

یکی از مهم ترین موجبات تقویت اخلاق کار، تأمین مالی فرد است؛ زیرا دغدغه معاش و نگرانی گذران زندگی آبرومند، زمینه های تحقق کار اخلاقی را تباه می کند و تحقق آن را باچالش می سازد. از این رو امام علی (علیه السلام) در فرمان ها و دستورهای حکومتی واداری خود برتأمین کامل و وافی کارگزاران و کارکنان سخت تأکید می کنند؛ چنان که در عهدنامه مالک اشتر، فرموده اند :

ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوا أَمَانَتَكَ (همان، نامه ۵۳: ۴۳۴)؛

سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می کوشند، و با بی نیازی، دست به اموال بیت المال نمی زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند.»

نگاه امام علی (علیه السلام) به کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری خود چنین است که شما خود با ارزشید و پیش از این که به خدمتگزاری شما در مسئولیت محوله نگاه شود، در درجه نخست خود شما، و استعدادهای شما و صلاح و سامان شما مطرح است. امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر (علیه السلام) به



تأمین معیشتی کامل و همه جانبه (اسبغ رزق) فرمان داده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). ایشان دو دلیل برای این فرمان ذکر می کند: ۱- آنان را در اصلاح خویش تقویت می کند؛ ۲- آنان از خیانت در اموالی که زیر دست آن هاست بی نیاز می سازد.

از نظر امام علی (علیه السلام) پرداخت کامل حقوقی و گشایش در روزی کارکنان، به آنان کمک می کند تا در جهت اصلاح خود گام برداشته و از فقری که مایه زیان دین و آسفتگی خاطر و پریشان حالی است نجات یابند؛ زیرا تنگناهای زندگی انسان را وسوسه می کند و ممکن است زیر فشارهای سخت معیشتی دست به نادرستی و خیانت بیالایند. (خدمتی، ۱۳۸۲: ۹۰)

براین اساس سیستم کاری می باید را به گونه ای طراحی شود که افراد، از نظر زندگی و معیشت تأمین باشند و امنیت لازم از این نظر برایشان فراهم گردد، تا زمینه خیانت و ستمگری مسدود، و راه اصلاح و خدمت گزاری گشوده شود.

## ۶-۱. توجه به کارآمدی<sup>۱</sup> و کارایی<sup>۲</sup> افراد

وقتی شخصی نامناسب و ناکارآمد را به کاری گمارده شود، انواع تباهی ها ظهور می کند؛ چنین شخصی به طور معمول تحت فشارهای درونی و بیرونی قرار می گیرد و تراحم میان شخصیت او با شخصیت کاری او، به صورت عوارض روانی و رفتاری بروز می کند؛ زیرا به دست گرفتن کاری که شایستگی آن را ندارد فرد را از اخلاق انسانی و کاری دور می کند.

در مقابل کسی که براساس کارآمدی و کارایی در جایگاه مناسب خود قرار گیرد و کار مناسب با توانش به او واگذار شود، مورد تأیید های بیرونی و درونی قرار می گیرد و این خود بهترین زمینه را برای انجام درست و شایسته کار فراهم خواهد آورد. امام علی (علیه السلام) در باره خطر بر سر کار آمدن ناهلان و پیامدهای تباه گر آن چنین هشدار داده اند:

«قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِيَّ عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدِّمَاءِ وَ الْمَغَانِمِ وَ الْأَحْكَامِ وَ إِمَامَةَ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ وَ لَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ وَ لَا الْجَافِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ وَ لَا الْخَائِفُ لِلدُّوْلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَ لَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحَقُوقِ وَ يَقِفَ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ وَ لَا الْمَعْطَلُ لِلسُّنَّةِ فَيَهْلِكَ الْأُمَّةُ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱: ۱۸۸) شما دانستید

که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد، و امامت مسلمین را عهده دار شود، تا در اموال آنها حریص گردد، و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند، و ستمکار نیز نمی تواند رهبر مردم باشد، که با ستم حق مردم را غصب و عطاهای

۱. Efficient.

۲. Proficiency.



آنان را قطع کند، و نه کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد؛ زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد، و رشوه خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد، زیرا که برای داوری با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال، و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند، و آن کس که سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را ضایع می‌کند لیاقت رهبری ندارد؛ زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند.»

با توجه به اهمیت کارآیی و کارآمدی افراد و نقش آن در افزایش اخلاق کاری، هرکس باید براساس صلاحیت‌ها و توانمندی‌هایش در جای مناسب خویش قرار گیرد، چنان که بتواند به بهترین صورت کار و مسئولیت خود را اداره کند. امام علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر این گونه تذکر می‌دهند:

وَ اجْعَلْ لِرَأْسِ كُلِّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِكَ رَأْسًا مِنْهُمْ لَا يَفْهَرُهُ كَبِيرُهَا وَ لَا يَنْشَتُّ عَلَيْهِ كَثِيرُهَا؛ (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۳۷) برای هر یک از کارهایت سرپرستی برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی نیابد، و فراوانی کار او را در مانده نسازد.

امام علی (علیه السلام) تأکید می‌کنند که افراد براساس شناختی درست از توانایی‌ها و صلاحیتشان انتخاب و به کار گمارده شوند و در این امر نباید به هیچ وجه امیال و خواسته‌ها و روابط بر قواعد و معیارها و ضوابط چیره شود. در نظام کاری که گزینش و به کار گیری اشخاص براساس پیوندها و خویشی‌ها و رابطه‌ها و یا براساس میزان‌ها و معیارهای ظاهر گرایانه و بی‌خردانه باشد، کاری شایسته شکل نمی‌گیرد. امام علی (علیه السلام) در انتخاب و به کار گیری افراد به شدت بر معیارها تأکید می‌کنند که به وسیله آنها بتوان کارایی و کارآمدی و توانمندی‌های واقعی افراد را معین کرد و آنها را در جای مناسبشان به کار گرفت. از این رو به مالک اشتر می‌نویسند:

ثُمَّ لَا يَكُنْ اخْتِيَارُكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ وَ اسْتِنَامَتِكَ وَ حُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ فَإِنَّ الرِّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ لِفِرَاسَاتِ الْوُلَاءِ بِتَصَنُّعِهِمْ وَ حَسْنِ خِدْمَتِهِمْ وَ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَ الْأَمَانَةِ شَيْءٌ؛ (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۳۷) مبدا در گزینش آنان [صرفاً] بر تیز هوشی و اطمینان شخصی و خوش باوری خود تکیه نمایی، زیرا افراد زیرک با ظاهر سازی و خوش خدمتی، نظر زمامداران را به خود جلب می‌نمایند، که در پس این ظاهر سازی‌ها، نه خیرخواهی وجود دارد، و نه از امانت داری نشانی یافت می‌شود.

### ۷-۱. توجه به علایق افراد

قرار گرفتن افراد در جایگاه کاری مناسب روحیات و علائقش و انجام دادن کار با عشق و علاقه، بستری بسیار نیکو در جهت به سامان گرفتن کارها را فراهم می‌آورد. انجام دادن کار از سر بی‌علاقگی و بی‌حوصلگی بستر بسیاری از رفتارها و مناسبات خلاف شئون اخلاق کاری را فراهم می‌سازد.



برای این که این عارضه زوده شود، باید تلاش گردد فضای عشق و علاقه به کار و مسئولیت فراهم گردد و هرکس با میل و رغبت و انگیزه شخصی درگیر کار و مسئولیت شود. امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِفْبَالًا وَ إِدْبَارًا فَأَتْوَهَا مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَ إِفْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ (آمدی، ۱۳۶۶: ۶۶) ؛ دل‌ها را روی آوردن و پشت کردنی است، پس دل‌ها را آن گاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی، زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری کور می‌گردد.

وجود علاقمندی شخصی در کار و مسئولیت، سختی‌ها را بر آدمی سهل می‌کند و توانمندی و حوصله‌ورزی به بار می‌آورد و در رعایت و انجام درست کار اخلاقی نقش بسزایی دارد.

امام علی (علیه السلام) براین امر تأکید می‌ورزند که کار و مسئولیت با میل و علاقه شخصی انجام گیرد و به همین جهت، خود را از فضای اکراه و اجبار به شدت پرهیز می‌کرد. و هرگز به روش‌های مستبدانه روی نمی‌آورد. ایشان در بیانی والا می‌فرمایند: «لَيْسَ لِي أَنْ أَحْمِلَكُمْ عَلَيَّ مَا تَكْرَهُونَ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۸: ۳۲۳) و من نمی‌توانم شما را به راهی که دوست ندارید اجبار کنم.

از نظر امام علی (علیه السلام) مردمان باید خود بخواهند و خود در مسیر صحیح گام نهند و گرنه کاری از پیش نخواهد رفت. در نامه‌ای به یکی از استانداران خود، «قرظه بن کعب انصاری» می‌فرمایند: **وَ لَسْتُ أَرَى أَنْ أَجْبَرَ أَحَدًا عَلَى عَمَلٍ يَكْرَهُهُ** (بلاذری، ج ۲، بی تا: ۳۹۰)؛ من این را صحیح نمی‌دانم که کسی را مجبور به کاری کنم که از آن کار کراهت دارد. اگر بتوان با به کار گرفتن عوامل و زمینه‌هایی افراد را به کار و مسئولیتشان علاقمند ساخت و انگیزه و شوق لازم را در آنان ایجاد کرد فضای لازم را برای انجام درست و اخلاقی کارها فراهم ساخته ایم.

## ۸-۱. کنترل و نظارت

تأثیر نظارت و مراقبت بر عملکرد افراد غیر قابل انکار است. اگر انسان بداند عملکرد او مورد بازرسی قرار می‌گیرد، در انجام کارها و به ویژه در امور اجتماعی، دقت بیشتری می‌کند. امام علی (علیه السلام) در دوران حکومت خود از این شیوه به خوبی استفاده کردند و آن را در بهبود و اصلاح امور اجتماعی به کار گرفتند. بررسی سیره عملی امام علی (علیه السلام) نشان می‌دهد، شخص آن حضرت، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم کاملاً بر عملکرد کارگزارانش نظارت داشت و در صورت مشاهده تخلف، به سرعت متخلف را مورد سرزنش قرار می‌دادند و یا از کار برکنار می‌کردند. از امام صادق (علیه السلام) نقل است:

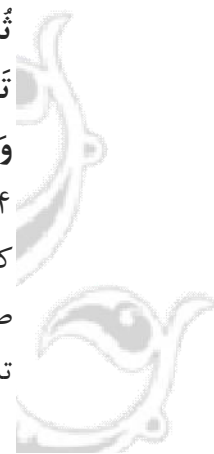
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همه روز صبح در بازارهای کوفه، بازار به بازار، گردش می‌کرد و تازیانه‌اش بر دوش او بود (تا متخلفان حساب ببرند)... و بر سر هر بازاری می‌ایستاد و ندا می‌داد: ای بازرگانان قبل از هر چیزی، خیر را از خدا بخواهید



و برکت را در آسان‌گیری بدانید، به خریداران نزدیک شوید، حلم و بردباری را زینت خود سازید و از دروغ و سوگند دوری کنید و از ظلم بپرهیزید و حق مظلومان را ادا کنید، هرگز به سراغ ربا نروید و حق پیمان‌ها و ترازو را ادا کنید (کم‌فروشی نمایید) و از حقوق مردم چیزی کم نگذارید و در زمین فساد نکنید (مجلسی، ج ۱، ۱۴۰۴: ۱۰۴)

امام علی (علیه السلام) نه تنها خود نظارتی دقیق بر عملکرد کار گزارانش داشتند، بلکه از والیان و مسئولان حکومتی خود می‌خواست تا این شیوه را به کار گیرند؛ توصیه‌های امام (علیه السلام) به مالک اشتر به خوبی این واقعیت را نمایان ساخته است:

ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثَ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَ تَحَفُّظُ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَتِهِ؛ (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۳۴)؛ سپس تمام کارهای کارگزارانت را تحت نظر بگیر و بازرسانی مخفی از کسانی که اهل صدق و وفاء هستند بر آنان بگمار زیر نظر داشتن امور کارگزاران به صورت پنهان و مخفی آنان را وادار به امانتداری و مدارا با رعیت می‌نماید. و از تشکیل شبکه‌ی یارگری در خلافتکاری باز می‌دارد.



نظارت مستقیم و غیر مستقیم بر عملکرد افراد، باعث می‌شود که افراد با دقت بیش تری به کار و فعالیت بپردازند و از کم کاری و کاستن از کیفیت بپرهیزند. چنانچه این گونه نظارت به صورت یک روبه در آید، کارکنان همواره این احتمال را می‌دهند که بدون اطلاع قبلی از کار آنان بازدید شود و عملکرد آنان مورد بررسی قرار گیرد. این ذهنیت باعث می‌شود آنان با جدیت و دقت کار کنند و از کم کاری بپرهیزند و در نتیجه بهره‌وری به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت. (خدمتی، ۱۳۸۲: ۸۰)

### ۹-۱. تشویق و تنبیه عادلانه و به موقع

یکی دیگر از عوامل تأثیر گذار در تقویت اخلاق کار تشویق و تنبیه عادلانه است ساختار روانی و عاطفی فرد به گونه‌ای است که اگر مورد تأیید و تشویق قرار گیرد، انگیزه فعالیت بیشتری پیدا می‌کند. از این رو تشویق یا تنبیه، در اصلاح یا تثبیت رفتار فرد بسیار موثر است. (احسانی، ۱۳۷۹: ۴۷۵)

از دیدگاه امام علی (علیه السلام) همان طور که تشویق و قدردانی‌های به موقع، امری لازم و سازنده به شمار می‌رود، رعایت عدالت در امر تشویق نیز اهمیتی فراوان و سر نوشت ساز دارد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷: ۱۴۸)

امام علی (علیه السلام) کارگزاران خود را به تمیز دادن و فرق نهادن میان نیکوکاران و بدکاران جامعه راهنمایی کرده است. زیرا عدم تمیز میان نیکوکاران و بدکاران و یکسان بودن ارج و قرب و منزلت آنان، نیکوکاران را به بدکاری تشویق نموده و بدکاران را به کارهای ناپسند مشتاق. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:



وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا  
لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَتَدْرِيبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ؛ (نهج البلاغه،  
نامه ۵۳: ۴۳۰)

مبادا نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان باشند، چه، برابر بودن آنان، نیکوکار را در  
انجام کار نیک، کم انگیزه می کند و بد کار را به بدی جری می سازد.»

اگر در کار تشویق نباشد و افراد خادم مانند افراد خائن، در کنار یکدیگر و به طور مساوی از حقوق و مزایا و  
سایر تسهیلات بهره مند شوند، پس از مدتی در افراد این احساس به وجود می آید که کارهای خوب بی پاداش  
مانده و کوشش های ارجمند، بر باد می رود. و با این احساس، انگیزه ی کار بهتر و بکارگیری استعدادهای  
نهفته فلج شده و نظام به سستی و نابودی می گراید. به طریق اولی، اگر تشویقها غیر عادلانه، تبعیض آمیز و  
براساس حبّ و بغض صورت گرفته باشد، در این حالت نیز کارمندان (و افراد زبردست)، بی تفاوت و نسبت به  
مدیر بی اعتماد خواهند بود و هرگونه صداقت و صمیمیت را از دست خواهند داد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷: ۱۲۷)  
بنابراین امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا أُبْلِىٰ وَ لَا تُضِيفَنَّ بَلَاءَ امْرِئٍ إِلَىٰ غَيْرِهِ وَ لَا  
تُقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بَلَاءِهِ وَ لَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَاءِهِ  
مَا كَانَ صَغِيرًا وَ لَا ضَعْفُهُ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا؛ (نهج  
البلاغه، نامه ۵۳: ۴۳۴)؛ هر کس که در هر کاری آزموده شده است، آن را به  
حساب خودش بگذارد. و زحمت و تلاش کسی را به دیگری نسبت مده و ارزش  
خدمت او را کمتر از آنچه هست به حساب نیاورد. و بزرگی شخص موجب نشود که  
کار کوچکش را بزرگ بشمارد و نیز پستی کسی باعث نگردد که خدمت پر ارزشش  
را کوچک به حساب آوری.»

وقتی مسئولان و صاحبان کار به این نیاز روحی کارکنان توجه داشته باشند، با تشویق و تنبیه عادلانه  
از یک سو روحیه کار و تلاش شایسته را در نهاد آنان تقویت و با دلگرمی دادن به آنان بیش از پیش در انجام  
وظیفه خود مصمم تر می شوند. و از سوی دیگر، این قبیل تشویق ها باعث می شود افراد کاهل و کم تلاش  
و مسامحه کار به خود آیند و مانند افراد پرکار با شور و شوق بیشتری قدم به عرصه کار و تلاش بگذارند و  
در راه اهداف والای انسانی و الهی خود ترغیب شوند.

## ۱۰-۱. توجه به عواطف و احساسات

انسان آمیخته ای از احساسات، عواطف، اندیشه، خرد و دیگر استعدادها و نیروها و غرایز است. از این  
رو رفتار اجتماعی افراد انسانی با یکدیگر بسیار حساس است. (جعفری، ۱۳۸۳: ۷۸) بنابراین از نیکوترین و  
اساسی ترین روش های تربیت، روش محبت است که بیشترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت انسانی



دارد. نیروی محبت نیرویی برانگیزاننده و تحول آفرین است و اگر درست و به اعتدال به کار گرفته شود، تاثیری شگفت در نزاهت آدمی و تحقق تربیت کمالی دارد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۴۸)

خداوند انسان را به گونه ای آفریده است که قلب او مسخر محبت است. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

« قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحُشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛ (نهج البلاغه ، حکمت ۵۰:

۴۷۷) دل آدمی وحشی است، پس هرکس بدان الفت ورزد بدو روی کند.»

دانستن این حقیقت که علاقه و محبت اطاعت آور است، از امور مهم در مدیریت به شمار می رود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۱۱۷) اساساً محبت است که اطاعت آور و تعهد سازاست، این تعهد و اطاعت فقط در دل ظهور نمی کند بلکه به نگاه و بینش، اعضاء و جوارح، رفتار و کردار، مواضع و جهت گیری ها نیز سرایت می کند.

امام علی (علیه السلام) با رحمت و محبت به اداره خلق قیام کردند و اساس کار را بر آن گذاشتند و تا آنجا که امکان داشت از رفق و مدارا و مهربانی و خوشرویی بهره می گرفتند و سخت گیری و تندی و خشم و شدت را در جایی به کار می گرفتند که جز آن راهی نبود و آن هم جلوه ای از رحمت و محبت ایشان بود. امام علی (علیه السلام) به بعضی از فرماندهان خود نوشتند:

«فَاسْتَعِنُ بِاللَّهِ عَلَى مَا أَهَمَّكَ وَ اخْلَطِ الشَّدَّةَ بِضِغْتٍ مِنَ اللَّيْنِ وَ ارْفُقْ مَا كَانَ الرِّفْقُ ارْفُقَ وَ اعْتَزِمِ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا يُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ (وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ) وَ اَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ (نهج البلاغه، نامه ۴۶: ۴۲۰)؛

پس در مشکلات از خدا یاری جوی، و درشت خویی را با اندک نرمی بیامیز. در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن، پر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش.»

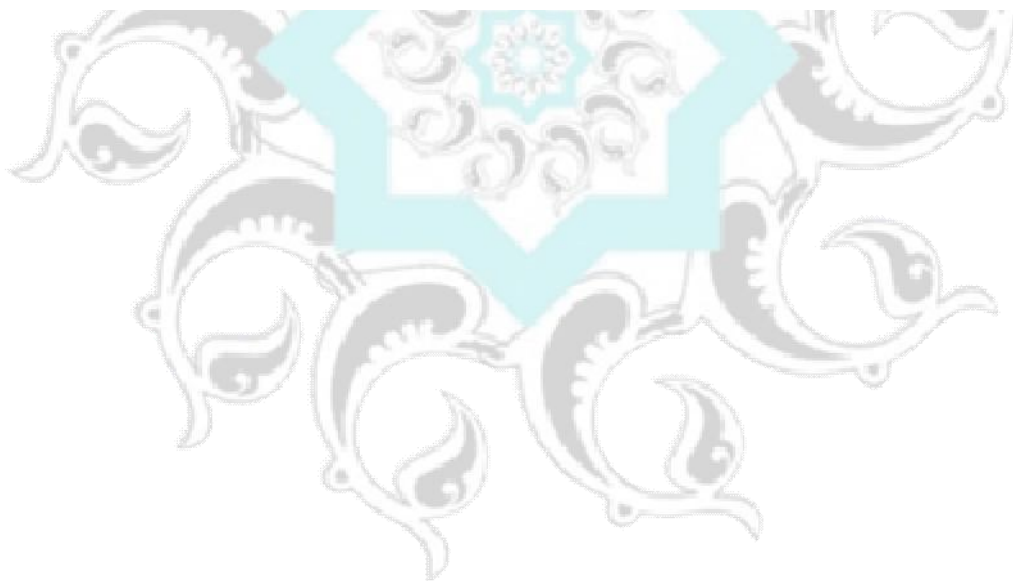
بنابراین برای فراهم کردن زمینه اطاعت پذیری افراد و انجام وظایف محوله به نحو شایسته، باید اهرم محبت و عطوفت را در فراهم ساختن این خواسته به کار گرفت.

### نتیجه گیری

مهم ترین عوامل و زمینه های رشد و توسعه اخلاق کاری از نظر امام علی (علیه السلام) عبارتند از: تقویت خدا باوری، توجه به شأن و جایگاه حقیقی انسان، امانت انگاری کار، شناخت صحیح دنیا و آخرت، تأمین مالی ، توجه به کارآمدی و علایق افراد، کنترل و نظارت، تشویق و تنبیه عادلانه و توجه به عواطف و



احساسات آنان. بر این اساس اگر به دنبال کسب نتیجه مطلوب و شایسته در کار و توجه به اخلاق کار هستیم توجه به این موارد و به کارگیری آنها بسی ضروری می نماید.







منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجره، بی تا.
۳. ابن مسکویه، احمد بن یعقوب، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، بیدار، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
۴. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۵. الفیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۳۷۵.
۶. احسانی، محمد، «تربیت سیاسی در سیره و کلام امام علی»، تربیت اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران، تربیت اسلامی، ۱۳۷۹.
۷. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ق.
۸. اخوی، اصغر، نقش تربیتی دنیا از دیدگاه امام علی، تربیت اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران، تربیت اسلامی، ۱۳۷۹.
۹. آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، قم، دار الفکر، بی تا.
۱۱. تودار، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴.
۱۲. توسلی، غلامعباس، جامعه شناسی کار و شغل، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
۱۳. جعفری، سیدمحمد مهدی، آموزش نهج البلاغه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۸۷.
۱۵. خدمتی، ابوطالب و دیگران، مدیریت علوی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهرپرور، تهران، دریا، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۱۷. ----- . حکومت حکمت، تهران، دریا.
۱۸. ----- . سیره نبوی، دفتر سوم، تهران، دریا، ۱۳۸۳.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان، دمشق، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. فاضل لنکرانی، محمد، آیین کشورداری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلام، ۱۳۷۷.



۲۲. فرامرز قراملکی، احد، رستم نوچه فلاح، *موانع رشد اخلاق حرفه ای در سازمان ها*، تهران، موسسه دین پژوهی بشرا، ۱۳۸۶.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
۲۵. مطهری، مرتضی، *فلسفه اخلاق*، قم، صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۲.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الأطهار*، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۷. محمدی، اصغر « کار از دیدگاه حضرت علی (ع) »، صحیفه مبین، تهران، ۱۳۸۳، ش ۲۵.
۲۸. معیدفر، سعید، *بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی موثر بر آن*، تهران، مؤسسه کار و تامین اجتماعی، ۱۳۸۰.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در نهج البلاغه*، قم، مدرسه امام علی ابن ابی طالب، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۳۰. نراقی، ملا مهدی، *جامع السعادات*، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- الهندي، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تصحيح صفوه السقاء، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق.